

## پزشکان جهان وطن

### گفتگویی با دو دانشجوی مدرسه‌ی پزشکی الام ونزوئلا

**توضیح سایت پیکان:** ما با نظام بهداشت و درمانی که تنها بر محور سود می‌چرخد کاملاً آشنا هستیم. هزینه‌ی بالایی ویزیت و هزینه‌ی سرسام‌آور خدمات بیمارستانی، بی‌تفاوتی پزشکان و مدیران بیمارستان‌ها نسبت به وضعیت اقتصادی بیماران و فاصله‌ی بسیار زیاد تعرفه‌های بیمه‌ها نسبت به هزینه‌های پرداختی را یا خود دیده‌ایم، یا از آشنایان شنیده‌ایم یا اخبار و گزارش‌هایش را در رسانه‌ها خوانده‌ایم. اینجا این دو دانشجو از گونه‌ی دیگری از آموزش و حرفه‌ی پزشکی صحبت می‌کنند. فرصت تحصیل در این دانشگاه منحصر به فرزندان خانواده‌های ثروتمند نیست بلکه به جوانانی اختصاص دارد که به دلیل فقر یا کمبود امکانات آموزشی در حالت عادی امکان تحصیل پزشکی را نداشته‌اند، آن هم نه فقط جوانان ونزوئلایی بلکه جوانانی از بیست کشور جهان. این دانشگاه پزشکی ترتیب می‌کند که به جای آنکه «داخل مطب‌های مجلل‌شان در انتظار بیماران بنشینند»، در مأموریت‌هایی در محلات ونزوئلا و در سراسر جهان خانه به خانه به دنبال بیماران می‌روند. این دو دانشجو در این گفتگو ما را با پزشکی‌ای آشنا می‌کنند که مبتنی بر سود و درآمد بیشتر نیست، بلکه بر تعهد انسانی و اجتماعی پزشک تکیه دارد.

---

مطلب زیر گفتگویی است با دو دانشجوی یک مرکز آموزش پزشکی در کاراکاس پایتخت ونزوئلا. در این گفتگو این دو دانشجو آنچه درباره‌ی تعهد انسانی، اجتماعی و حرفه‌ای پزشکان در این دانشگاه آموخته‌اند را بیان می‌کنند.

در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰، دو توفان شدید در حوزه‌ی کاراییب درگرفت و تعداد زیادی کشته و مجروح بر جای گذاشت. فاجعه‌ی انسانی متعاقب این توفان‌ها حاکی از آن بود که این منطقه به پزشکان بیشتری نیاز دارد. در واکنش به این وضعیت، فیدل کاسترو (رهبر فقید کوبا) مدرسه‌ی پزشکی آمریکای لاتین (ELAM) را در هاوانا بنیان نهاد. ونزوئلا نیز با الهام گرفتن از جهان‌وطن‌باوری کوبا الام خود را در سال ۲۰۰۷ بنیان گذاشت. اگر از مراکز شلوغ این نهاد در مرکز کاراکاس (پایتخت ونزوئلا) دیدن کنید در راهروهایش صدای زبان‌های مختلفی به گوش‌تان خواهد رسید، از عربی گرفته تا زبان دورگه‌های اروپایی آفریقایی‌هائیتی، از پرتغالی تا انگلیسی.

ما با دو تن از دانشجویان جوان الام درباره‌ی تجاربشان در این نهاد گفتگو کردیم. وانسا آلمیدا دانشجوی سال پنجم اهل اینتاماریو، شهر حاشیه‌ای کوچکی در برزیل است. جان چیکویکه اوگبو دانشجوی سال دوم است و در خانواده‌ای کارگری در شهر انوگوی نیجریه متولد شده است.

وانسا آلمیدا سخن‌گوی اصلی دانشجویان الام است. جان چیکویکه اوگبو قائم‌مقام سخن‌گوی این نهاد است.

**وانسا، در مقام سخن‌گوی اصلی، می‌توان هدف و پروژه‌ی الام را توضیح دهید؟**

وانسا: ایلام نور چشم چاوز و فرزند انقلاب کوبا بوده است. مدرسه‌ی پزشکی آمریکای لاتین انجمنی است از پزشکان آینده از سرتاسر جهان، خصوصاً از جنوب جهانی؛ پزشکانی که متعهدند به کشورهای خودشان بازگردند و به مردم ستم‌دیده‌شان خدمت کنند.

ایلام کوبا به سال ۱۹۹۹ مربوط است. در واقع، زمانی بنیان گذاشته شد که این جزیره وضعیت واقعاً دشواری داشت. فیدل با این نامالیقات چه کرد؟ آیا از جهان‌وطن‌باوری انقلاب دست کشید؟ خیر، گفت: در حالی که دیگران با اسلحه‌ها و ارتشیان کشورها را اشغال می‌کنند، ما ارتشی از پزشکان برای نجات جان انسان‌ها به کشورها می‌فرستیم. این بخشی از «نبرد اندیشه‌ها»ی فیدل کاسترو بود. سپس، در سال ۲۰۰۷، چاوز پروژه‌ی ایلام کوبا را به ونزوئلا آورد.

امروزه، پزشکان ایلام را می‌توانید در کپرها و آلونک‌ها و بسیاری از نواحی حاشیه‌ای دورافتاده در سراسر جهان ببینید. هوگو چاوز، بنیان‌گذار ایلام، بر این باور بود که مراقبت و درمان عمومی حقیقی جهان‌شمول است و همبستگی بین‌المللی در بطن سیاست‌های وی قرار داشت. به همین دلیل است که ایلام کوبا تا به این اندازه چیز مناسبی برای انقلاب بولیواری بود. شاید ایلام پروژه‌ای است که به بهترین شکل بیان‌گر از خودگذشتگی کوبا و ونزوئلا جهت تقویت عدالت اجتماعی و برابری در سراسر جهان باشد ... حتی طی دوران‌های بسیار سخت!

**ونزوئلا در سال‌های اخیر تحت تأثیر تحریم‌های ایالات متحده با دشواری‌های زیادی روبه‌رو بوده است. درست است که درهای ایلام هیچ‌گاه بسته نشده، اما یقیناً چالش‌هایی وجود داشته است.**

وانسا: اوضاع آسان نبوده است: محاصره‌ی اقتصادی، همه‌گیری، حملات سیاسی به انقلاب. با این همه، ونزوئلا درهای ایلام را باز گذاشته و به خانه‌ی ما، بسیار دورتر از خانه‌ی اولمان، تبدیل شده است.

وقتی اوضاع خیلی دشوار شد، نیکولاس مادورو می‌توانست بگوید: بیایید فقط روی مردم خودمان تمرکز کنیم. اما، به جای آن، تصمیم گرفت راه چاوز را ادامه بدهد و پروژه‌ی ایلام را زنده نگاه دارد. ماجرای شگفت‌انگیزی است. متقابلاً، ما دانشجویان هم بیش‌ازپیش به انقلاب متعهد شدیم و به ارتشی از پزشکان که فیدل و چاوز رؤیای آن را داشتند تبدیل شدیم.

چیزی که می‌توانم به حرف‌هایم اضافه کنم این است که حتی هنگامی که اوضاع در ونزوئلا بسیار دشوار شد، این مدرسه باز هم خوراک و مسکن در اختیار ما می‌گذاشت. هزینه‌های مربوط به تحصیل را هم پرداخت می‌کرد. من یکی که بابت این وضعیت سپاس‌گزارم: بیش‌تر ما در جاهایی که زندگی می‌کرده‌ایم هرگز نمی‌توانستیم پزشکی بخوانیم، و حتی اگر این انتخاب پیش‌رویمان بود باید هزینه‌های زیادی برایش می‌پرداختیم.

**تصوری که در ایلام از کار پزشکی وجود دارد چطور تصویری است؟**

جان: تصور ایلام از پزشکی از بیخ‌وبن با تصورات متداول متفاوت است. برنامه‌ی درسی ما بر «انجمن پزشکی همه‌جانبه»ای متمرکز است که شامل چشم‌اندازی انسان‌باورانه می‌شود که هدفش این است که علم و تعهد به جامعه را با هم جمع کند.

عشق و فروتنی کلیدهای تبدیل شدن به چنین پزشکی است. ما حین آموزش کالبدشناسی و زیست‌شیمی و اخلاق پزشکی این چیزها را می‌آموزیم.

پزشکانِ اِلام به سراسر جهان عزیمت می‌کنند و خود را وقف به‌روزیِ جوامع کرده‌اند؛ آنان داخل مطب‌های مجلل‌شان در انتظار بیماران نمی‌نشینند تا بیماران بیایند و مانند پزشکِ خداگونه آن‌ها را «درمان» کنند. علاوه بر این، نوع مراقبت درمانی‌ای که اِلام آن را جلو می‌برد، بیش و پیش از هر چیز دیگر، مراقبت پیشگیرانه است.

**سرمایه‌داری همه‌چیز، از جمله سلامت و درمان را کالایی می‌کند. در مقابل، اِلام دارد آن را کالای‌دایی می‌کند. وانسا، می‌توانی در این خصوص صحبت کنی؟**

وانسا: درست است، سرمایه‌داری همه‌چیز را کالایی می‌کند، از جمله سلامت را! عموم پزشکان یاد گرفته‌اند مردم را طوری «سالم» کنند تا هم بتوانند پول خوبی به جیب بزنند و هم شما را دوباره برای کار سرمایه‌دارانه آماده کنند. این آموزش به آن‌ها داده نمی‌شود که درد و رنج روان‌شناختی بیماران درک کنند یا دغدغه‌های اجتماعی اقتصادی‌شان را بفهمند. از سوی دیگر، یک پزشک در اِلام جامعه‌ای که در آن کار می‌کند را خواهد شناخت، زیرا در آن جامعه زندگی می‌کند؛ زیرا در خیابان‌های شهر محل کارش قدم می‌زند؛ زیرا با آدم‌های آن جامعه صحبت می‌کند و، اگر لازم باشد، در خانه‌ی خود بیماران آن‌ها را ویزیت می‌کنند.

پزشکِ اِلام نه برای ثروتمند شدن بلکه برای خدمت به مردم آموزش می‌بیند. در مورد خود من، مطمئن باشید وقتی فارغ‌التحصیل بشوم وارد فرایند کالایی‌سازی سلامت نخواهم شد. بلکه برای خدمت به جامعه‌ای شکوفا و سالم سخت کار خواهم کرد. باید اضافه کنم که نوع درمانی که اِلام آن را جلو می‌برد «همه‌جانبه» است و این مفهوم را مطرح کرده است که بیماران چیزی بیش از مجموعِ صرف اندام‌هایشان هستند. ما نگاهی کل‌نگرانه به بیماران داریم و با توجه به بستر فرهنگی، عوامل اجتماعی اقتصادی و زمینه‌ی خانوادگی‌شان بیماری‌ها را تشخیص و توضیح می‌دهیم.

رویکرد کل‌نگرانه این فرصت را در اختیار ما قرار می‌دهد تا به علل ریشه‌ایِ سردردهای مداوم یا دل‌درد وحشتناک پی ببریم و درمان‌هایی ارائه دهیم که صرفاً مبتنی بر دارو نیست. البته این اصلاً به آن معنا نیست که دانش علمی برای ما اهمیتی ندارد، بلکه این دانش تنها بخشی از راه‌حل است.

**نقش جهان‌وطن‌باوری در اِلام چیست؟**

جان: اِلام اقدامی به‌راستی جهان‌وطن‌باورانه است. در حال حاضر پذیرای دانشجویانی از بیش از ۲۰ کشور سراسر جهان، غالباً از جنوب جهانی، است. این نهاد چشم‌انداز مستحکم جنوب-جنوب را دارد و قلبش برای ستم‌دیدگان می‌تپد.

رؤیای چاوز این بود که اِلام انجمنی بین‌المللی بشود و این دقیقاً همان چیزی است که ما بدان رسیده‌ایم. هم‌کلاسی‌ها و رفقای ما از آمریکای لاتین، حوزه‌ی کارائیب و آفریقا می‌آیند، و تعداد قابل‌توجهی از برادران و خواهران فلسطینی‌مان هم این‌جا درس می‌خوانند.

**جان، پیش از این که به ونزوئلا بیایی، آیا با روند انقلاب بولیواری آشنایی داشتی؟**

جان: پیش از آن که به ونزوئلا بیایم با چاوز و روند انقلاب بولیواری آشنایی نداشتیم. رؤیایم این بود که پزشک بشوم و از طریق توافقی نهادی وارد لام شدم. یعنی فقط در این جا بود که با روند انقلاب بولیواری آشنا شدم و عاشق مردم ونزوئلا شدم. بی اندازه قدردان تحقق رؤیایم که خواندن پزشکی در لام بود هستم.

**وانسا، تو عضو MST (جنبش کارگران بدون زمین)، سازمانی که پیوندهای دیرینه‌ای با روند انقلاب بولیواری دارد، هستی. اهمیت میراث چاوز از نظر تو در چیست؟**

وانسا: در MST، ما صمیمانه عاشق چاوز هستیم. زیرا او بود که از نو به روند تاریخ آمریکای لاتین شکل داد. زیرا جهان‌وطنی راستین بود و دغدغه‌ی کارگران جهان را داشت. او به طریقی ویژه با دهقان‌ها هم ارتباط داشت.

اما تعهد من به چاوز و نیز به فیدل در لام تعمیق شد. در مدرسه‌ی ما، چاوز زنده است!

داستانی درباره‌ی چاوز وجود دارد که خیلی تأثیرگذار است. وقتی به خاطر ابتلا به سرطان در کوبا تحت درمان قرار گرفت، دائماً درباره‌ی مردمش پرس‌وجو می‌کرد: مردم من چطورند؟ این را صبح می‌پرسید، وقتی از جراحی مرخص می‌شد می‌پرسید، و از هر کسی که به عیادتش می‌آمد این را می‌پرسید. او همیشه به فکر مردم بود!

در جامعه‌ی پزشکان لام، باید از این رفتار الگو بگیریم: اولویت اول، دوم و سوم ما مردم هستند.

اما برای این که به‌خوبی به این تعهد عمل کنیم، باید کُلّی درس بخوانیم. به همین خاطر، من هر روز ۵ صبح از خواب بیدار می‌شوم و دیروقت می‌خوابم. باید از این فرصت استثنائی بیشترین بهره را ببرم. آن وقت، وقتی فارغ‌التحصیل شدم، به خانه برمی‌گردم و آنچه انقلاب بولیواری به من داده است را به جامعه‌ام می‌دهم.

**جان، به‌عنوان یک نیجریه‌ای، خیلی از خانه‌ات دوری و تازه باید زبان جدیدی را هم یاد بگیری. می‌توانی تجربه‌ات را برای ما تعریف کنی؟**

جان: در واقع، همه‌چیز آسان نبود. اول، وقتی رسیدم، باید دوران قرنطینه‌ی طولانی‌ای را عملاً در انزوا می‌گذراندم. بعد، چالش زبان هم بود. وقتی رسیدم اسپانیولی بلد نبودم و هنوز با این زبان درگیرم. در دوران پیش از ورود به درس‌های اصلی، باید زیست‌شیمی می‌خواندم که خودش با چالش‌هایی همراه بود. تلاش برای یادگیری درس همراه با زبانی جدید اضطراب‌آور بود، اما مصمم بودم که به موفقیت برسم. از یوتیوب استفاده می‌کردم، کتاب امانت می‌گرفتم و هر جا لازم بود هم کلاسی‌هایم به کمک می‌آمدند. آرام‌آرام مهارت‌های زبانی‌ام تقویت شد و اگرچه کاروبار دانشگاهی هنوز همان قدر سخت است، اما دیگر با زبان درگیر نیستم.

مشکلات دیگری هم بود: ما همه خیلی از خانه دوریم و گاهی نمی‌توانم با خانواده‌ام تماس بگیرم و این سخت است. خوشبختانه، هم کلاسی‌ها و استادانم خانواده‌ی دوم من شده‌اند. گرچه دل‌تنگ خانواده‌ام هستم، اما دیگر احساس تنهایی نمی‌کنم.

**وانسا، می‌توانی درباره‌ی کار دانشگاهی در لام و برنامه‌ی آموزشی‌اش توضیح بدهی؟**

وانسا: این جا در الام برنامه‌ی کار درسی و عملی توان فرسایی داریم. من که دانشجوی سال پنجم هستم، ساعات زیادی را در بیمارستان کار می‌کنم و در کنار آن، در طول هفته ۲۴ ساعت هم کلاس داریم. استادان ما که اهل کوبا و ونزوئلا هستند اساتید شایسته‌ای هستند و به انقلاب نیز متعهدند. اما هیچ نوع نگاه سیاسی‌ای را به ما تحمیل نمی‌کنند: دل ما با روند انقلاب بولیواری است، نه چون این را از ما می‌خواهند، بلکه به این دلیل که عشق و محبت زیادی از ونزوئلا گرفته‌ایم. نهایتاً، باید تأکید کنم که اساتیدمان به ما می‌آموزند که عالمان انسان‌باوری باشیم، پزشکانی متعهد و، در کل، انسان‌هایی بهتر.

### هر دوی شما فعالانه در کار پزشکی حضور دارید. بیایید درباره‌ی این بخش از تحصیلتان حرف بزنیم.

جان: من انترن مرکزی به نام آملیا بلانکو هستم، که در آن در خصوص مراقبت‌های پیشگیرانه و شفابخش می‌آموزیم. برای شناخت آن اجتماع خانه به خانه ویزیت می‌کنیم و به اطلاعات اجتماعی اقتصادی آن ناحیه دست می‌یابیم. این کلید تبدیل شدن به یک پزشک «همه‌جانبه» است. یادگیری کار و مراقبت و توجه به افراد در الام خیلی مهم است. اگر رابطه‌ی خوبی با مردم نداشته باشیم، نمی‌توانیم برای درمان آن‌ها هم کاری انجام بدهیم.

وانسا: جدیداً در بیمارستان ویکتورینو سانتائلا در آلتوس میراندینوس شیفت دارم و این تجربه‌ای خارق‌العاده است. از رزیدنت‌ها، پزشکان و متخصصان کلی چیز یاد گرفته‌ام. همین‌طور از رئیس بیمارستان که آدم حقیقتاً متعهدی است. اغلب او را در راهروهای بیمارستان می‌بینید که دارد به مسائل رسیدگی می‌کند و مطمئن می‌شود که وسایل و تجهیزات درمانی هست. و کارهایی از این قبیل. مدیران بخش‌های خدمات درمانی باید این‌گونه باشند: آدم‌هایی اهل عمل.

در شیفت‌هایم، یاد می‌گیرم چطور هم به یک پیرزن برسم و از او مراقبت کنم هم به یک کودک. جراحی مطمئن را یاد می‌گیرم. در عین حال، دارم مهارت‌هایی کسب می‌کنم که چگونه در لحظه‌های بسیار چالش‌برانگیز با آدم‌ها همراهی کنم.

### به محاصره‌ی اقتصادی‌ای که ونزوئلا با آن روبه‌رو است برگردیم. آیا تأثیرات آن را روی نظام درمانی می‌بینید؟

وانسا: بله. تأثیر این محاصره روی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی مثل روز روشن است. به‌رغم این چالش‌ها، پزشکان و کارکنان درمانی داریم که بر همه‌جور مشکلی غلبه می‌کنند و برای نجات جان آدم‌ها معجزه می‌کنند. دولت هم تلاش می‌کند تا بیمارستان به‌قدر کافی مجهز باشند. من شخصاً شاهد این بوده‌ام که چطور اتحادهای جنوب-جنوب دارد نتیجه می‌دهد. امروزه وضعیت تجهیز مراکز درمانی بهتر از قبل است. درست است که روی بعضی از بسته‌بندی‌ها و دستورات عمل‌های استفاده از تجهیزات به زبان چینی یا عربی است - که چالش‌های خود را دارد - اما امروزه توانایی تشخیص و تمیز تجهیزات را داریم.

خلاصه آن‌که، محاصره‌ی اقتصادی ایالات متحده کاری مجرمانه است و تأثیر آن روی سلامت مردم ونزوئلا بسیار واقعی است، اما ما خواهیم توانست مراقب بیمارانمان باشیم.

منبع:

<https://venezuelanalysis.com/analysis/internationalist-doctors-a-conversation-with-vanessa-almeida-and-john-chikuike-ogbu/>